

دولت بدشانس یا راكد



سیدمصطفی هاشمی طبّا

برخی دوستان می‌گویند که دولت چهاردهم دولتی بدشانس است. بلافاصله پس از تشکیل با آنکه وقار را دستمایه دولت قرار داده بود، طرف وفایک قد آدم‌های خودشان را به دولت هدیه داده بودند، سر ناسازگاری با دولت برداشته و تخریب می‌کنند. از طرفی مناقشه اسرائیل با ایران بالا گرفته و دولت را در محذور قرار داده است، بنابراین دولت به قول معروف «از اینجا مانده و از آنجا رانده» شده است. عادت داریم که همه مشکلات خود را به عوامل بیرونی نسبت دهیم. این موضوع فقط درباره مدیریت کشور نیست، بلکه این مفهوم از افراد و خانواده شروع می‌شود و «دگرمقربیبنی» تا اداره کشور امتداد می‌یابد، مثلاً خانواده‌ای با هم تفاهم ندارند، آن را به گردن مادرزن یا مادرشوهر یا فلان شخص می‌اندازند. از تاریخ ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ یعنی رای به وزرا از طرف مجلس تا امروز حدود ۵۰ روز می‌گذرد. در این ۵۰ روز که البته در عمر یک دولت بسیار کوتاه، اما از لحاظ فرصت بسیار مغنم است، دولت حتما شبانه‌روز کار کرده و البته حوادث مختلفی در کشور را تجربه کرده و از همه مهم‌تر خود را در میان بحران شدت‌گرفته غزه و لبنان و سخت‌شدن مقابله ایران و اسرائیل دیده است. برخی می‌گویند دولت در این بحران چه می‌تواند بکند، برخی می‌گویند امکانات دولتی جذب این بحران می‌شود. برخی می‌گویند دولت بماند، ببیند آخر کار به کجا می‌رسد؟ و البته به نظر می‌رسد دولت همچنان انفعالی عمل می‌کند و ابتکار خاصی از خود بروز نمی‌دهد یا دست‌کم به حرف‌وحدیث روزگار می‌گذراند. مثال آن را هم FATF و فیلترینگ و آزادی‌های اجتماعی می‌آورند که آدم‌های دولت هریک حرفی می‌زنند و مثال دیگر هم حرف‌های درست‌وحسابی رئیس‌جمهور درباره آموزش و پرورش و تربیت دانش‌آموزان است که به باد هوا می‌رود و اگر قبول کنند وزارت آموزش و پرورش اصلاً به فکر این حرف‌ها نیست، چراکه حرف‌های جناب وزیر چیز دیگری است! البته توجیه خواهند کرد، ولی نخواهند توانست، چون بین حرف‌ها زرنانسی وجود ندارد. اتفاقاً هرچه دولت در میان بحران‌های بیشتر باشد، باید چابک‌تر، منعطف‌تر و تصمیم‌گیرتر باشد و در مقابل کزی‌ها و ناراستی‌ها محکم‌تر قدم بردارد.

شاید دلیل آنکه دولت همچنان کج‌دار و میز راه می‌رود، این است که گفتمان مشگرفرازی را انتخاب نکرده است. نقل است نزد یک قاضی، شاکوی و متشاکوی نشسته بودند و هریک از دیگری شکوه داشتند. شاکوی وقتی حرف‌های خود را زد، قاضی به تصدیق سر جنباند و وقتی متشاکوی حرف‌های خود را زد، باز هم سسری به تصدیق فرود آورد. شخص ناظری از دوستان قاضی به او گفت این راست می‌گوید یا آن؟ چرا حرف هر دو را تصدیق کردی؟ قاضی گفت تو هم راست می‌گویی! دولت نباید چنین باشد. خط مستقیم خود را باید انتخاب کند و بر اساس آن حکم براند. اینکه دولت چه گفتمانی را انتخاب کند، از خود دولت است، ولی پیشنهاد شده بود که دولت گفتمان صرفه‌جویی و اسراف‌نکردن و مبارزه با هدرکردن ثروت‌های کشور را انتخاب کند که اتفاقاً بسیار مناسب زمان‌های بحران است و بدون این خط‌مشی بحران‌ها تشدید می‌شود. مثال بسیار ساده و سبب آن است که دولت تلویحاً یا تصریحاً تصدیق می‌کند که روزانه تا ۲۰ میلیون لیتر بنزین و گازوئیل قاچاق می‌شود و البته سرخ آن هم دست دولت است و دولت ظاهراً نمی‌داند، والا مگر ممکن است این حد از پمپ‌بنزین‌ها آن هم در یک استان یا در یک شهر خروجی پیدا کند؟ حتی به نظر می‌رسد جزئیات امر را هم دولت می‌داند، ولی نه می‌گوید و نه عملی انجام می‌دهد. انتخاب گفتمان دولت چهاردهم بسیار مهم است، همچنان که گفتمان وزارت‌خانه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. گفتمان وزارت آموزش و پرورش چیست؟ آموزش صرف یا تربیت نوسرته‌ها یا چانه‌زنی امتیاز برای معلمان؟ گفتمان وزارت صمت چیست؟ اداره وزارت‌خانه یا مدیریت صنعت و معدن کشور؟ گفتمان وزارت کشاورزی چیست؟ هرج‌ومرج فعلی یا به سوی بهینه‌سازی کشاورزی؟

گفتمان محیط زیست چیست؟ نگهداری بخش‌های حفاظت‌شده کشور یا حل مسئله آلودگی رودخانه‌ها، نشست دشت‌ها و مبارزه با آلودگی پسماندها در کشور. اینکه دولت بهانه بیابود یا در دهنش به صداقت بیندیشد که بگذار مسائل سیاسی و دفاعی حل شود تا ابتکارها انجام شود، نشانه ورشکستگی و اطمینان از شکست است (البته دولت چنین نکرده است). همواره در عین مبارزه با استکبار جهانی با فساد داخلی و اسراف هم باید مبارزه کرد، والا فساد و جریان‌های نادرست داخلی، خود باعث شکست و تلاشی می‌شود. خوب است این گفته هنری کیسینجر، رهبر واقعی صهیونیست‌ها و استراتژیست یهودی-آمریکایی را بفهمیم که گفته بود به ایران کاری نداشته باشید، خودشان با خودشان دگرپند، آیا نگاه واقع‌بینانه داخلی جز به این اعتقاد رسیده است؟

پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۳
۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶
۱۰ اکتبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۴۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

فناوری‌های جدید چگونه می‌توانند به ارتقای مدیریت کشورها کمک کنند؟ • بازار بی‌منطق مسکن • قلعه‌نویی: مقابل ازبکستان اجازه بی‌دقتی نداریم

عباس عراقچی به عربستان سفر کرد؛ این سفر چالشی جدی برای پیمان ابراهیم است

تهران و ریاض؛ برگ تازه منطقه

عراقچی در حالی به ریاض رفت که چند روز پیش رئیس‌جمهوری نیز به دوحه رفته بود؛ دیپلماسی منطقه‌ای تهران برای رفع تنش‌ها فعال‌تر شده است



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: Anbnews

یادداشت

زندگی پیاده در شهر؛ ایجاد امکانات و زمینه‌ها



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

به عابر پیاده تأثیر می‌گذارند. به نظر من خیابان‌های دوطرفه انسانی‌تر هستند، زیرا سرعت خودروها در آنها کمتر است. متأسفانه برای ما تهرانی‌ها پیاده‌روها خیلی هم مکان‌های دلخواهی نیستند. هم به لحاظ فیزیکی مشکل دارند و بی‌کیفیت‌اند، هم قرارگرفتن پیاده‌رو در امتداد خیابان آن‌هم با عرض کم و درهم‌برهمی‌های غیرضروری ایجاد مشکل می‌کند. من که ساکن مرکز شهر تهرانم و هر روز مسافت‌هایی را پیاده می‌روم، واقعاً از بی‌اعتنایی پلیس راهور یا راهنمایی و رانندگی و نیز شهرداری به این هرج‌ومرج حاکم بر پیاده‌روها تعجب می‌کنم، مگر می‌شود در پیاده‌روهای خیابان‌های مهمی مانند انقلاب، جمهوری، سعدی، فردوسی، حافظ، کریمخان، سی‌تیر، خیام و… موتور‌ها با سرعت به پیاده‌روها و خطوط ویژه اتوبوس بی‌آرتی ورود پیدا کنند و پیاده‌ها را با شوک و ترس و وحشت روبه‌رو کنند؟ واقعیت اینکه آدم‌های بدی هم نیستند. وقتی راهشان را سد می‌کنم و متوقف‌شان می‌کنم، اغلب لیخند می‌زنند… نگاه‌شان را می‌دزدند و معذرت می‌خواهند و قول می‌دهند که تکرار نشود، ولی باز روز از نو، روزی از نو برای مناطق کوهپایه‌ای تهران که روی دامنه کوه یا تپه ساخته شده‌اند نیز مشکلات عدیده‌اند. خیابان و پله در شیب تند خطر عبور و تصادف با پیاده‌ها را بالا می‌برد. دستگیره یا نرده‌ای نیز وجود ندارد. در جاهای خلوت هم خطر پیاده‌رفتن کم نیست. اگر امروزه در مرکز شهر مثل آب‌خوردن موبایل‌ها با روی هوا می‌زنند و فرار می‌کنند، این کار در خیابان‌های خلوت‌تر شمال شهر

یادداشت

کلید حل FATF کجاست؟



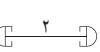
علیرضا سلطانی

امیدها نسبت به حل موضوع اف‌ای‌تی‌اف (FATF) با روی کار آمدن دولت چهاردهم و اظهارات جسته و گریخته مقامات این دولت خصوصاً رئیس‌جمهور پیشکیان افزایش یافته است. اما واقعیت این است که کلید قفل FATF در دست دولت چهاردهم نیست و این کلید ظاهراً از مدت‌ها پیش و به‌طور دقیق از زمان دولت دوازدهم در اختیار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته است. مجمع تشخیص مصلحت نیز برای تصمیم‌گیری در این خصوص و تعیین تکلیف FATF چشم به اراده دولت مستقر و در عین حال چراغ سبز نهادهای نظارتی و امنیتی حاکمیتی دوخته است. این شرایط به‌طور طبیعی حل مسئله را بسیار پیچیده و سخت کرده است.

تداوم قرارگرفتن ایران در لیست سیاه FATF، سال‌هاست به چالشی بزرگ برای ساختار اقتصادی و معضلی برای نظام سیاست‌گذاری ایران تبدیل شده است. فعالان و کانون‌های اقتصادی و تجاری سال‌هاست با اشاره به محدودیت‌های ایجادشده در مرادوات تجاری و مالی ایران با نظام پولی و بانکی و کاهش شدید سطح کمی و کیفی مناسبات اقتصادی و تجاری با نهادهای و بانک‌های بین‌المللی، بالارفتن هزینه‌تعاملات تجاری، اقتصادی و مالی به دلیل روی آوردن اجباری به راه‌های سنتی، غیرمعتاد و منسوخ مانند صراف‌های و تهاتر کالا، رشد دلالی و رانت‌های داخلی و بین‌المللی و همچنین کاهش نرخ سود حاصل از قرارگرفتن ایران در لیست سیاه FATF، نسبت به تعلق

بیشتر نیز می‌شود. عوامل دیگر تأثیرگذار بر امنیت عبارت‌اند از: نور، خرابکاری، مزاحمت و میزان حضور پلیس. موضوع دیگر راهیابی یا پیداکردن راه است. آیا نام خیابان، نشانه‌های عابر پیاده یا خط‌کشی وجود دارد؟ هوشمندی، زیبایی و تمیزی خیابان هم در میزان پیاده‌پذیری خیابان تأثیر دارد. آیا محل عبور با درخت و پوشش گیاهی سبز همراه است؟ آیا ساختمان‌های جذاب و با شرایط خوب در جداره‌ها وجود دارد؟ بگذریم که در سال‌های اخیر برای نشان‌دادن نمای برخی ساختمان‌های تجاری لوکس در خیابان‌های مهمی مثل ولی‌عصر، درختان چنار صدساله را بریدند و به شهرداری هم جریمه دادند! اما از همه مهم‌تر برای جلب مردم پیاده، سرگرم‌کننده و آرامش‌بخش بودن محل خیابان است. اینکه آیا در خیابان لاله‌زار می‌شود به گذران اوقات فراغت پرداخت یا با فراغ بال ویترین‌های چراغ و لوستر را تماشا کرد؟ اگر خیابان پرسروصدا و استرس‌زا نباشد، مطمئناً جای بهتری برای گردش و تفریح خانوادگی یا دوستانه است. تا این مراکز تجاری هیولانی که تمام شهرها را تسخیر کرده‌اند. کریم آسایش می‌گوید: جهنم این فاجعه‌ای است که با سوارمحوری و حذف انسان از فضاهای عمومی در تهران اتفاق افتاده و کسانی تا اسم پیاده می‌آید، وحشت می‌کنند، جهنم یعنی شهر در خیابان‌هایش فضایی برای مکت و درنگ نداشته باشد. جهنم یعنی افراد دارای معلولیت دارای دسترسی به شهر نباشند… . جهنم یعنی شهر برای سالمند و کودک و زن و زنان باردار و والدین دارای کالسکه و دوجرخه‌سوار و افراد با چرخ خرید مناسب نباشد… . جهنم یعنی آسار بالای تصادفات رانندگی، جهنم یعنی چرخه شیطانی ترافیک، جهنم یعنی آلودگی هوا، جهنم یعنی منظر طبیعی شهر مخدوش شود، شهر مقیاس انسانی نداشته باشد و هر روز مترک‌تر شود. جهنم یعنی شهر فقط برای مرد سالم میانسال اتومبیل‌سوار دارای درآمد مکفی ساخته شده و برای بقیه غیرقابل زندگی بشود. زن و مرد پیاده باید در تهران زجر باشند و کماندا! اگر باشند، اتفاقاً لذت‌بخش می‌شود، به‌ویژه متروسواری؛ بقیه هم از دایره خارج‌اند. آقای رئیس‌جمهور! با پلیس صحبت کنید.

اهدای نشان فتح به سردار قآنی از طرف رهبری تا چند روز آینده



برگزیده‌ها

عارف در جلسه «کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه»:

بحران دریاچه ارومیه یک «بحران ملی» است



انتشار بخش‌هایی از کتاب تازه «باب وودوارد» روزنامه‌نگار کهنه‌کار آمریکایی

از فریادهای بایدن تا رفاقت ترامپ و پوتین



اعضای کابینه در حاشیه جلسه هیئت دولت توضیح دادند

از رفع فیلترینگ تا متناسب‌سازی

حقوق بازنشستگان



چرا مجلس در ماجرای پیگیری فساد در فوتبال منفعل است



توله‌شیر باغ وحش صفادشت پای چپش را از دست داد

زخم توله‌شیر قدیمی است



یادداشت

لغز و نکته



حسین ناصر

روان‌شناس پیشگیری

امروز دهم اکتبر، روز جهانی سلامت روان است. شعار محوری امسال بر اهمیت سلامت روان در محیط کار معطوف است. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، پیامدهای اقتصادی سلامت روان و مشخصاً انواع افسردگی‌ها و اضطراب‌ها سالانه یک تریلیون دلار هزینه روی دست کشورها می‌گذارد. اگر سیاست‌گذاران کشور به یافته‌های بی‌شماری بدانند که نشان داده‌اند هزینه‌کردن برای ارتقای سلامت روان کارکنان محیط‌های کار، یک سرمایه‌گذاری پرسود است، چه‌بسا به‌مراتب راحت‌تر می‌توانستند رشد اقتصادی مطلوب خود را محقق کنند. به عبارت دیگر این سرمایه‌گذاری با تأمین یکسای از موارد مهم حقوق بشر یعنی سلامت روان تک‌تک افراد، زمینه بهره‌وری اقتصادی و افزایش کارآمدی محیط‌های کار خواهد شد. روشن است که هدف از شعار امسال این است که صاحبان مشاغل، رؤسا و مدیران اجرایی هر نوع محیط کار یا هر مقیاسی، شرایط کاری کارکنان خود را بهبود ببخشند، دائماً مراقب استرس‌هایی باشند که به کارکنان وارد شده و مسئولیت خود را در مدیریت آنها به‌درستی ایفا کنند و در نهایت فضایی را ایجاد کنند که امکان رشد افراد فراهم شود. اگر هدف از شعار امسال این باشد که سلامت روان در رأس موارد مدیریتی محیط کار قرار گیرد، ضروری خواهد بود که با اجرای برنامه‌های مناسب، فضایی ایجاد شود که کارکنان مشارکت فعالانه‌ای در انجام مسئولیت‌های شغلی خود داشته باشند. به عقیده دبیرکل فدراسیون جهانی سلامت روان، با وجود مثبت اشتغال در سلامت روان، درحال‌حاضر برخی از محیط‌های کار به‌شدت بر سلامت روان کارکنان آسیب وارد می‌کنند.

← ۵ →